

شهید محمدرضا آرین پوردهدشت



(۱۷) آرین پوردهدشت، محمدرضا: دوم مرداد ۱۳۴۴، در شهرستان بهبهان به دنیا آمد. پدرش الله داد کارگر بود و مادرش اشرفی نام داشت. تا اول راهنمایی درس خواند. او نیز کارگر بود. به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. بیست و هشتم مرداد ۱۳۶۲، در پاسگاه زید بر اثر اصابت ترکش به سر، شهید شد. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش واقع است.

www.koocheyeshahid.ir

وصیت‌نامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا ۚ بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^۱

«کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند مُرده نپندارید بلکه آنان زنده‌اند و نزد خدای خویش روزی می‌برند.»
با سلام و درود بیکران به رهبر مستضعفان جهان و اَمت شهیدپرور و حزب‌الله ایران و با درود و سلام به خانواده گرامیم.

من به تمامی جهان می‌گویم که شهادت من بر روی لبیک گفتن به فریاد «هل من ناصر ینصرنی» امام بود و من برای هوا^۲ و هوس به جبهه نرفتم؛ چرا که امام گفته بود تنور جنگ داغ است و بر اَمت حزب‌الله واجب است که آن را داغ‌تر کنند.

من از اَمت شهیدپرور حزب‌الله می‌خواهم که راه امام، این زاهد شب و شیر روز را ادامه دهند و ای برادران و تمامی حزب‌الله! چرا از شهادت می‌ترسید؟! مگر کودکی را سراغ دارید که از پستان مادرش بترسد. از سخنان امام حسین^(ع): «آری شهادت همانند پستان مادر شیرین است!»

من راهم را انتخاب کردم و از کشته شدن در راه هدف مقدسی که دارم هراسی به دل راه نخواهم داد؛ راه من، راه مسلمانان صدر اسلام و راه حسین و اصحاب حسین است و آری مادرم! من در جایی هستم و این را می‌نویسم که هر لحظه امکان منفجر شدن را دارد. مادرم! من در اینجا چیزی ندارم که به تو هدیه کنم جز دسته گلی از اجساد جوانان عزیز که دارای رخی زیبا بودند و اکنون پرپر شده‌اند.

من از اَمت حزب‌الله می‌خواهم که متفرق نشوند؛ چرا که «یدالله مع الجماعة»^۳؛ دست خدا با جمعیت است.^۴ مردم به خدا قسم دشمن از جمع شدن شما می‌ترسد و بلعکس^۵ از پراکندگی شما خوشحال می‌شود. روزهای جمعه، نماز جمعه را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنید؛ چون نماز جمعه، یک نماز عبادی، سیاسی و دشمن‌شکن است.

من از اَمت حزب‌الله می‌خواهم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل را خالی نگذارند و به فریاد امام، این کوه استوار لبیک گویند تا هر چه زودتر دشمن اسلام را نابود کنند و زمینه را برای ظهور حضرت مهدی^(عج) آماده کنند. ای پدر عزیز و مادر مهربانم! به خاطر شهادت من ناراحتی به خود راه ندهید؛ چرا که زینب هنگام شنیدن خبر شهادت امام حسین^(ع) چون کوه استوار ماند و در عوض یزیدیان را در شام رسوا کرد.

^۱ سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

^۲ اصل: هوی.

^۳ اصل: یدالله مجمع.

^۴ اصل: دست خداوند همراه مردم جمع است.

^۵ اصل: بعکس.

طبق آیه شریفه «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛ مژده کسانی را که [به] سخنان گوش
فرا دهند و بهترین را انتخاب کنند.»^۱

آری مادر، من شهادت را بهترین هدیه خداوندی دانستم که به بندگان خاص خود عنایت می فرماید.

والسلام علیکم ورحمه الله

برادر حقیر شما، محمدرضا آرین پور



^۱ سوره زمر، آیه ۱۸.